

این مقاله

یکی از پنج مقاله‌ی برگزیده‌ی مسابقه‌ای است که با عنوان «نقش معلمان از تبدیل خاک به طلا با ارزش‌تر است» در دوره‌ی گذشته (۸۷-۱۳۸۶) مجله برگزار شد.

نقش انسان ساز متعلم

نقش معلمان از تبدیل خاک به طلا با ارزش‌تر است.

مقام معظم رهبری

آن‌ها شخصیت‌هایی ماندگار و طولانی به‌جا می‌گذارند، شخصیت‌هایی که جامعه را به سوی رشد و ترقی سوق می‌دهند و برای مردمشان افتخارآفرین خواهند بود.

نقش معلمان از پدر و مادر نیز با ارزش‌تر است، زیرا شکل دهندگان اصلی شخصیت انسان‌ها هستند. تمام بزرگان ایران زمین، در عرصه‌های فرهنگ، هنر، سیاست، اجتماع و... که از خود نامی ماندگار بر صفحه‌ی تاریخ برجا گذاشته‌اند، همه و همه در سایه‌ی تربیت و آموزش صحیح همین معلمان دلسوز، پرورش یافته‌اند.

این معلم است که پایه‌ی کودک پیش می‌رود، قلم را در دستان ناتوان او قرار می‌دهد و الفبای زندگی را به او می‌آموزد؛ الفبایی که با واژه‌ی عشق شروع می‌شود، با واژه‌ی امید ادامه می‌یابد و با واژه‌ی کمال به پایان می‌رسد؛ کمالی که همانا ارزش بخشیدن به شخصیت وجودی اوست؛ وجودی اصلاحگر، دیندار، دانشمند و فرهیخته و با تدبیر. اوست که زنگار جهل و نادانی را از وجود انسان می‌زداید و افق روشن علم و دانایی را در برابر دیدگان او قرار می‌دهد. این معلم است که با روحی نشأت گرفته از نور خداوندی و قداستی برخاسته از شغل معلمی، وجود انسان را از عشق سیراب می‌سازد و درس معرفت به او می‌آموزد و زلال دانایی را در درونش جاری می‌سازد تا از او انسان بسازد؛ انسانی که روح تعهد، خودباوری و اخلاق را در جامعه پرورش دهد. ارزش چنین انسانی از تمام طلاها و جواهرات دنیا بالاتر است، زیرا نه تنها وجود خودش با ارزش است، بلکه می‌تواند منشأ خیرات و برکات زیادی در جامعه شود. او با فضل و دانش خویش،

نقش معلمان از تبدیل خاک به طلا با ارزش‌تر است، زیرا هر چند با تبدیل خاک به طلا، ارزش آن افزون می‌گردد و ظاهری فریبنده و زیبا پیدا می‌کند، ولی این ارزشمندی فقط جنبه‌ی مادی دارد و نمی‌تواند زمینه‌ساز ارزش‌های معنوی، انسانی و اخلاقی باشد. برعکس، معلم که مدیر کارگاه عمومی آموزش است، می‌تواند با استفاده از فرصت طلایی و استثنایی فراگیری، یعنی از بدو ورود کودک به مدرسه تا سن هجده سالگی، خمیرمایه‌ی سرشت او را شکل دهد و نقش آفرین این کارگاه عظیم دوازده ساله باشد. از ابتدای ورود کودکان به دبستان، این معلمان هستند که با آموزش صحیح و تربیتی شایسته، خمیرمایه‌ی وجود آن‌ها را شکل می‌دهند تا افرادی متدین، متعهد، مدبر، با اخلاق و آرمان طلب تحویل جامعه دهند.

این اتفاق مهم زمانی روی می‌دهد که ذهن کودک کاملاً مستعد و آماده‌ی پذیرش هر تعلیم و تعلمی است. او می‌خواهد یاد بگیرد، بنویسد، بخواند و با افقی روشن، پی به دنیای ناشناخته‌ها برد. او می‌خواهد ساخته شود و بسازد و این معلم است که با شمع وجودش، مسیر راه را برایش روشن می‌کند و او را به آینده‌ای سعادت‌مند رهنمون می‌سازد. این نقش از تبدیل خاک به طلا با ارزش‌تر است، زیرا معلمان، انسان تربیت می‌کنند؛ انسان‌هایی عاشق میهن، پرهیزگار، مؤمن، خلاق و عالم.

چه بسیار گفته‌ایم و شنیده‌ایم که تعلیم، نقش انبیاست. پس معلمان که وارثان انبیا هستند، نه فقط با تدریس خود، بلکه با شخصیت خود، روی دانش‌آموزان اثر می‌گذارند و از

آینده‌ای سعادت‌مند را برای کشورش رقم می‌زند. در کارگاه عمومی آموزش، تنها میدان‌دار؛ معلم است که در حساس‌ترین نقطه ایستاده و با هنرمندی خاصی سعی دارد، وجود کودک و نوجوان را به ماده‌ای با ارزش تبدیل کند؛ ماده‌ی ارزشمندی که هیچ محک و سنجشی قادر به تعیین ارزش آن نیست.

این معلمان هستند که با تربیت صحیح می‌توانند، انسان‌هایی بزرگ پرورش دهند که تاریخ‌فروها را بسازند. اگر با چشمانی واقع‌بینانه به تاریخ پرفراز و نشیب و افتخار آفرین ایران اسلامی بنگریم، خواهیم دید، تمام کسانی که از ارزش‌های پاک انسانی دفاع کرده‌اند و به طریقی در خدمت مردم و تحقق ارزش‌های اسلامی و دینی بوده‌اند، همگی تربیت‌یافتگان معلمان بزرگ بوده‌اند که با وجود با ارزش خود، به دیگران ارزش بخشیدند. نمونه‌ی بسیار زیبای آن، شهیدان انقلاب اسلامی هستند که هر کدام در سایه‌ی علم و تربیت معلمان شایسته، به خدا راه یافته و لیاقت شهادت نصیبشان شده است. انسان‌های ارزشمندی که از تمام لذات دنیوی چشم پوشیدند و فقط به خاطر رضای خدا به میدان جنگ شتافتند و با ایثار خون خود، حافظ انقلاب و ارزش‌های مقدس اسلام شدند.

اگر هزار سال هم بگذرد و صفحات تاریخ از سرگذشت آیندگان پر شود، باز هم صفحه‌ی جانبازی و شجاعت شهدا درخشش خاص خود را دارد و هیچ مرکب سیاهی نمی‌تواند سرخی خون آنان را کم‌رنگ کند، زیرا آنان تجلی انسان‌های کمال یافته‌ای هستند که در سایه‌ی تعلیم معلمان شایسته،

ارزش و قداست یافته‌اند. آنان با شهادتشان، به جوانان درس ظلم‌ستیزی و جهاد با دشمن می‌دهند و همواره الگویی ارزنده برای فرداها خواهند بود.

از تمام دلایلی که در ارتباط با ارزشمندی نقش معلمان ذکر شد، می‌توان نتیجه گرفت، این نقش از تبدیل خاک به طلا با ارزش‌تر است و معلمان نه تنها با تربیت انسان‌هایی شایسته، نسلی متعهد و مسئول بار می‌آورند، بلکه این انسان‌ها نیز به نوبه‌ی خود، انسان‌های دیگر را متأثر می‌سازند. این سلسله هم چنان ادامه خواهد داشت تا جایی که دیگر «منی» در جامعه وجود نداشته باشد؛ نه من، نه تو، نه او. همه «ما» می‌شویم و بس؛ «مایی» که معلمانش خدایی، انسان‌هایش آرمانی و ارزش‌هایش اسلامی خواهند شد. چنین جامعه‌ای، نمونه‌ی والای جامعه‌ای است که انسان‌هایش رو به سوی خدا حرکت می‌کنند و تنها هدف متعالی، قرب‌الی‌الله است.